

برخی مسائل مربوط به تاریخ فلسفه ایران اسلامی

با پیدایش تمدن اسلامی و آشنائی مسلمانان با علوم و فلسفه و معارف تمدنهای پیشین بخصوص تمدن یونان نهضت عالم گیر فلسفه اسلامی بوجود آمد، نهضتی که از بدو امر تا به امروز سرزمین اصلی آن ایران بوده است لذا تاریخ فلسفه در ایران در واقع تاریخ جویان اصلی فلسفه اسلامی است و حتی میتوان گفت به استثنای نهضت فلسفی در مصر در دوره فاطمی و مکتب بزرگ اندلس فلسفه اسلامی اصولاً همان فلسفه ایست که در سرزمین فرهنگ ایران نضج گرفته و در قرون متمادی مشارب و مکاتب بسیاری به قلمرو وسیع خود افزوده و شعاع نفوذ خود را به تمدن اسلامی هند از یک سو و به مناطق شامات و اناطولی یا ترکیه فعلی گسترده است. بدون اغراق باید اذعان داشت که مکتب بزرگ فلسفی در ایران که از کندی و فارابی آغاز شده و بدست شیخ الرئیس به اولین مرحله کمال خود رسیده و سپس با شیخ اشراق قدم به عالم ذوق و شهود نهاده و با صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا به تلقین بین شرع و استدلال و عرفان برآمده و بدست استادان بزرگ حکمت در دوره اخیر مانند ملاعلی نوری و حاجی ملاحادی سبزواری ناعصر حاضر استمرار داشته است، یکی از درخشانترین خدمات ایران به تمدن اسلامی و فرهنگ و حکمت جهانی است، چون گرچه در ریاضیات و طب و علوم دیگر بقیه ممالک اسلامی نیز سهم بوده اند لکن در فلسفه سهم ایران در دامن فرهنگ عظیم اسلامی فرید و یکتا است و از این جهت درخور تحقیق دقیق میباشد و از مهم ترین فصول تاریخ فرهنگی ایران بشمار میاید.

لکن علیرغم اهمیت این نهضت فلسفی متأسفانه هنوز بسیاری از نکات بسیر فلسفه در ایران در پرده ابهام پوشیده است، مخصوصاً تاریخ هفت قرن اخیر که بعلمت عدم رابطه آن با تمدن اروپائی و نیز از بین رفتن مکتبهای مستقل فلسفی در جهان عرب مورد بررسی دانشمندان مغرب زمین و عرب قرار نگرفته است و با استثنای یکی دو مورد اصولاً مجهول و گمنام است. (۱) هنوز بسیاری از مسائل اساسی تاریخ فلسفه در ایران که رابطه نزدیکی نیز با نهضت های دینی و علمی و عرفانی و از سوی دیگر با تحولات و دیگر گونیهای اجتماعی و سیاسی قرون ماضی دارد مجهول میباشد و حتی اکثر متون مهم فلسفی در گوشه و کنار دوران دسترس محققان باقی مانده و هنوز بزور طبع آراسته نشده است.

اگر به منابع تحقیق در تاریخ فلسفه در ایران بنگریم با چند نوع ماخذ و منبع مختلف

مواجهه می‌شویم که هر یک سهمی در روشن ساختن سیر فلسفه دارد. اهم این منابع باین قرار است.

۱ - تواریک حکما و فلاسفه - یکی از انواع تاریخ نویسی که در دوره اسلامی متداول شد و مبتنی بر نمونه‌های کوچکتر و ساده یونانی و سریانی بسط و تکمیل یافت تاریخ حکما و فلاسفه است که طبعاً اولین منبع محققان تاریخ فلسفه می‌باشد. از تاریخ حکمای حنین بن اسحق و یس او اسحق بن حنین و صوان الحکمه از ابوسلیمان سجستانی و تمه صوان الحکمه از بهقی و طبقات الاصباع ابن جلیجل و فهرست ابن ندیم و الامد علی الابداء ابو الحسن عامری و طبقات الامم قاضی صاعد اندلسی و زهه الارواح شهر زوری و تاریخ الحکماء ابن قفطی و عیون الانبیاء ابن ابی اصیبعه گرفته تا محبوب القلوب قطب الدین اشکوری و روضات الجنات میرزا محمد باقر خونساری و مجالس المومنین قاضی نوراله شوشتری و نامه دانشوران و ریحانه الادب محمد علی تبریزی، مجموعه‌ای از تاریخ حکما در دست است که در آن در یک دوره بیش از هزار سال آثار و افکار حکما و فلاسفه اسلامی بطور کلی و ایران بالاخص درج و ضبط شده و در دسترس دانشمندان امروز قرار گرفته است.

لکن بین این منابع هنوز بسیاری از مهمترین آنها مانند کتب ابو الحسن عامری و ابوسلیمان سجستانی و شهر زوری بطبع نرسیده است، گرچه نسخه‌های کامل و یا اقلاً قسمتهایی از بسیاری از این نوع مراجع موجود است (۲).

۲ - کلمات قصار و گفتار فلاسفه - در حالیکه تواریک حکماء اکثر ادبانه شرح زندگی و آثار آنها است نوع دوم از منابع که کتب شامل گفتار آنها است طریق بهتری برای آشنائی با افکار آنها می‌باشد.

این نوع کتب از قبیل مختار الحکم ابن فاتک آمری و سمر الفلاسفه از عبدالستار لاهوری که شامل گفتار حکمای یونان نیز هست نه تنها منبع مهمی برای آشنائی با برخی مآخذ یونان نیست که اصل آن در دست نیست بلکه بعضی از مسائل فلسفی مخصوصاً متعلق به قرون اولیه تمدن اسلامی را روشن می‌سازد.

۳ - فهرست کتب و مآخذ و اعلام فهرست نویسان اسلامی که در صد ذکر نام و آثار دانشمندان اسلامی برآمده‌اند ضمناً مطالب بس مهمی در باره فلاسفه جمع آوری کرده‌اند. کشف الظنون و اعیان الشیعه و الذریعه نمونه‌های بارزی از این نوع منابع است. گاهگاهی نیز حکیم یا محقق بزرگی خود به جمع آوری و نقد آثار دانشمندان دیگری کمر همت بسته است، مانند فهرست مصنفات رازی که بدست ابوریحان بیرونی جمع آوری شده و از ارزنده ترین منابع تاریخ فلسفه و علوم قرن چهارم است. اهمیت این نوع کتب بیش از همه در روشن ساختن ارتباط بین کتب مهم فلسفی و آشنائی فلاسفه با منابع پیشین و نیز آشکار ساختن آثاری است که در دوره‌های بعدی فلسفه بفراموشی سپرده شده است.

۴ - کتب تاریخی - از آنجا که بسیاری از کتب بزرگ تاریخی در دوره اسلامی با سیره انبیاء و حکما نیز سروکار داشته است اکثر این کتب اطلاعات سودمندی در باره سیر فلسفه در بردارد. کتبی از قبیل تواریک طبری و یعقوبی و ثعلبی و التنبیه و الاشراف مسعودی و تاریخ بیهقی و در دوران بعدی جامع التواریک و جامع عباسی و روضه الصفا و ناشخ التواریک و غیره همه فضولی در باره تاریخ فلسفه و علوم مخصوصاً مربوط به عصر نگارنده دربر دارد. همچنین تاریخ‌های مختصر ترویا محدود به یک ناحیه و دوره و یا در باره شرح اوضاع و احوال و امور فرهنگی یک عصر مانند چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی و نیز تذکره‌ها و تواریک ادبی نیز حاکی از مطالب فراوانی در باره تاریخ فلسفه است.

۵ - کتب کلامی و ملل و نحل و مباحثات و مناظرات دینی - از آنجا که آغاز فلسفه با پیدایش کلام توأم بوده و همواره منازعه و مناظره بین متکلمین و فلاسفه ادامه داشته است از

بهترین منابع تاریخ فلسفه در ایران همانا کتب کلامی و ملل و نحل و فرق و مناظرات علمی و کلامی است. آثار جاحظ و بغدادی و ابوحیان توحیدی و شهرستانی و امام فخر رازی مخصوصاً مباحث المشترقیه حاوی نکات دقیق درباره مسائل اساسی فلسفی و نظریات حکمای بزرگ در باره آنها می باشد. اسباب تأسف است که تاکنون استفاده بیشتری از این گونه منابع در تحقیقات درباره تاریخ فلسفه اسلامی نشده است.

۶ - کتب عرفانی - همچنین کتب عرفانی گرچه ظاهراً دور از مطالب فلسفه استدلالی است لکن رابطه مهمی با فلسفه داشته است مخصوصاً بعد از قرن ششم هجری هنگامیکه سهروردی باب نوینی در حکمت گشود و ابن عربی عرفان را بصورت علمی و نظری در آورد. شرحهائی که بر فصوص الحکم ابن عربی نگاشته شده است که بسیاری از مسائل فلسفی این دوره مهم مانده است. (۳)

۷ - متون فلسفی - و بالاخره باید به خود متون فلسفی نه تنها از لحاظ اینکه منبع افکار فلسفی است - بلکه بعنوان مهمترین مآخذ تاریخ فلسفه در ایران توجه کرد. اکثر کتب قدیم تاریخی بذکر نام آثار فلاسفه و یا برخی حوادث برجسته حیات آنها اکتفا کرده است و کمتر میتوان شرح حالی جامع و عمیق از حکما مانند شرح شهر زوری در نزهه الارواح از سهروردی یا شرح حال بوعلی از بوز جانی بدست آورد و حتی از این امر مشکل تر امکان پی بردن به سیر افکار فلسفی است از منابع متد اول فقط بررسی دقیق رسائل کنندی و فارابی و بوعلی میتواند تحول افکار مشائی را در این دوره روشن سازد و یا متن شفا خود حاکی از تاریخ فلسفه در قرون قبلی است و کتاب و تعلیمات شیخ الرئیس مباحث فلاسفه و منطقیون قبل از خود را منعکس میسازد. و با برخی کتب که زیاد شرح شده است مانند اشارات با شرح فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی و قطب الدین رازی سیر چند قرن فلسفه مشائی را در بر دارد. همچنین میتوان در شرحهای متعددی که بر کتاب کلامی تجرید از خواجه نصیرالدین طوسی نوشته شده است برخی از مهمترین تحولات فلسفی قرون هفتم تا دهم را جستجو کرد.

بین متون فلسفی بعنوان منبع تاریخ فلسفه هیچ یک اهمیت سفارملاصدرارا ندارد که علاوه بر بحث مسائل حکمی سیر افکار فلسفی را نیز ذکر کرده است (۴)
ملاصدرا با کتب و رسائل زیادی آشنائی داشته است که اکنون در دست نیست و از این شاهکار بزرگ فلسفی میتوان استفاده های فراوان در کاوش های تاریخ فلسفه در ایران انجام داد (۵).

مهمترین وظیفه محققان در مرحله کنونی تحقیق چاپ دقیق و منقح متون مهم فلسفی است که اکثر آن هنوز در دسترس نیست و محقق ناچار است بجای تفحص در سیر و تحول افکار و مباحث فلسفی وقت خود را صرف خواندن نسخ مشکل و با بودن فهرستهای لازم جستجوی اسمها و مطالب گوناگون کند. از آنجا که یکی از نتایج این کنگره بزرگ ایران شناسی جمع آوری مراجع تاریخ ایران است، امید میرود قدمی نیز در این راه برداشته شود تا تاریخ فکری ایران که سایه خود را بر جمیع شئون اجتماعی و فرهنگی این سرزمین افکنده است تا حدی روشن شود.

هنگامیکه به آنچه اکنون از تاریخ فلسفه در ایران در دست است مینگریم این امر آشکار میشود که در حالیکه در همه ادوار احتیاج به تحقیقات گوناگون زیاد است در برخی موارد مسائل افلا نسبتاً بررسی بیشتر شده است در حالیکه در برخی موارد دیگر مسائل و موانع اساسی هنوز پابرجا است. مثلاً تحقیقات دانشمندان مغرب زمین و نیز برخی محققان عرب تا حدی سیر فلسفی دو سه قرن اول فلسفه اسلامی را روشن ساخته است و یا برائز تحقیقات سالیان اخیر نکات درخشان تر نهضت های فلسفی دوره صفویه کم و بیش معروف شده است

در حالیکه تحولات بعدی این مکتبها یعنی استمرار مکتب ملاصدرا و یا پیروان مکتب مشائی در قرن دهم و یازدهم بهیچوجه معلوم نیست.

در بررسی تاریخ فلسفه در ایران چند مسأله اساسی هنوز مبهم است که اهم آنها به این قرار است :

۱- چگونگی پیدایش فلسفه اسلامی و یا فلسفه در ایران بعد از گسترش اسلام نه از جهت نفوذ مستقیم ترجمه‌های متون یونانی و سریانی که تا حدی روشن است بلکه از لحاظ نفوذ ایران دوره ساسانی و اهمیت افکار روانی و شاید مانوی در برخی نحل فکری سه قرن اول هجری. و نیز ورود افکار فلسفی و علمی یونانی بایران دوره ساسانی و ترجمه کتب فیثاغوری و هرمسی به پهلوی و علاقه به علوم غربیه در شمال شرقی ایران مخصوصاً در مرو و نشر آثار زیادی در این علوم حتی بزبان یونانی منسوب به زرتشت و بالاخره سهم این اختلاط در پیدایش برخی جریانات چند قرن اول هجری که مکمل مکتب معروف فلسفه مشائی است همگی در خور اهمیت فراوان است. نام ایرانشهری که او را اولین فیلسوف در اسلام خوانده‌اند ولی از او اثری در دست نیست (۴) و آثار سیاسی ابوالحسن عامری که در آن کوشش بعمل آمده است تا فلسفه سیاسی ایران قدیم بجای فلسفه سیاسی یونانی با اصول اسلام آمیخته شود و نیز مکتب های فیثاغوری و هرمسی که در این دوران رایج بوده است همگی حاکی از وجود جریاناتی فکری است که شاید بررسی آن مسأله اهمیت ایران و نقش آن در سیر بعدی فلسفه اسلامی بنحو دیگری از آنچه تا کنون متداول بوده است روشن سازد.

۲- دومین مسأله مهم درباره سیر فلسفه در ایران که بار دگر با حیات فلسفی و دینی ایران باستان سروکار دارد. همانا پیدایش حکمت اشراقی است. آیا ریشه این فلسفه را باید در آثار دیرین ابن سینا و شارحان او جستجو کرد و یا شیخ اشراق تماس مستقیم با منابع ایران قدیم داشته است؛ اینها همگی مسائلی است کاملاً مبهم که فقط بررسی دقیق متون فلسفی این دوره ممکن است آنرا روشن سازد.

در هر صورت توجه بیشتری به آثار شارحان شیخ الرئیس و مکتب او در قرن پنجم و آغاز قرن ششم یعنی کتب حکمائی مانند بهمنیار و لوکری از هر حیث ضروریست .

۳ - از قرن سوم به بعد فلسفه اسماعیلی در ایران اشاعه یافت و از آنجا که اکثر داعیان اسمعیلیه بزبان فارسی مینوشتند آثار آنها هم از لحاظ فلسفی و دینی و هم ادبی درخور تحقیق دقیق است . تاریخ افکار فلسفی اسمعیلی هنوز روشن نیست گرچه خوشبختانه افلا برخی از متون مهم آن بطبع رسیده است . از اولین فلاسفه این فرقه مانند ابوحانم رازی تا آمیزش و امتزاج افکار آنها با برخی طرق صوفیه بعد از خطه مغول سیر چندین قرن از افکار فلاسفه ای که برخی مانند ناصر خسرو از بزرگترین ادبای ایران بودند از فصول مهم تاریخ تفکر و فلسفه در ایران است که بسیاری از نکات آن مجهول مانده است .

۴ - ناشناخته ترین دوره فلسفه در ایران همانا دوره بین خواجه نصیر طوسی و میرداماد است . هنگامیکه مکتب های مشائی و اشراقی و عرفان در دامن تشیع بیامیخت آنچه در بحث های فلسفی چند قرن اخیر در ایران متداول شده است از قبیل مسأله اصالت وجود و ماهیت و یا بحث در وجود ذهنی و تجرد قوه متخیله و وحدت و تشکیک ذاتی و بسیاری مطالب دیگر که شاگردان مکتب ملاصدرا با آن آشنا هستند در این دوره بوجود آمده و یا تنظیم یافته و چهره فلسفه را تغییر داده است .

کافی نیست که بگوئیم ملاصدرا نظریه اتحاد عاقل و معقول را از عامری اخذ کرده و یا فلان فکر را از فلان کتاب آموخته است چون توأم با این افکار یک سلسله برآین و طرق بیان و استدلال آمیخته است ، که بیشتر از خود ملاصدرا است و اگر هم نباشد ریشه آن در

آثار عامری و مانند او نیست بلکه باید آنرا در کتب حکمای این دوره مانند منصور دشتکی و جلال‌الدین دوانی و ابن‌ترکه و سیدحیدر آملی و بسیاری حکما و عرفای دیگر که آثارشان به‌بوته فراموشی سپرده شده است جستجو کرد. و انگهی آشکار شدن تاریخ فلسفه در این دوره که مستلزم چاپ متون فلسفی و عرفانی این عصر است در عین حال خدمت بزرگی به روشن شدن تاریخ تفکر اسلامی در هند خواهد کرد چون در همین موقع بود که هسته فلسفه اسلامی ایران در زمین فکری دیار هند کاشته شد و از آن درختی تنومند روئید چنانکه شاخه‌های آن تا امروز سایه خود را بر شبه قاره هند و پاکستان افکنده است. زمینه فکری شیخ احمد سرهندی و شاه ولی‌اله دهلوی و حتی متفکران عصر جدید مانند اقبال را باید در سیر فلسفی و عرفانی این دوره جستجو کرد.

و انگهی در همین عصر حکما و عرفای بسیاری مانند قونوی و قیصری که بر کتب عرفانی و اشراقی شرح و حاشیه نوشته‌اند. در آن طولی آن زمان و ترکیه فعلی یا برصه وجودگزارده و رابطه نزدیکی با فلاسفه ایران و جریانات اساسی فلسفی این دوره داشته‌اند.

۴ - و بالاخره در بحث مسائل تاریخ فلسفه باید به سیر حکمت بعد از ملاصدرا تا امروز توجه کرد مخصوصاً از دوره پس از ملاصدرا تا احیاء فلسفه او بدست ملاعلی نوری و شاگرد او حاجی ملاحادی سبزواری در قرن دوازدهم. (۱) برعکس آنچه قاطبه مردم می‌پندارند فلسفه ملاصدرا فوراً بعد از او متداول نشد بلکه بسیاری از فلاسفه دوره بعد همان فلسفه مشائی را تدریس می‌کردند و حتی شاگردان برجسته او مانند لاهیجی و فیض‌کاشانی رسماً از فلسفه استاد خود چندان جان‌نبداری نمی‌کردند. فقط در قرن دوازدهم بود که بدست ملاحزوه گیلانی و آقا میرزا محمد الماسی و ملاسمعیل خواجویی فلسفه ملاصدرا نضج گرفت و بالاخره با کمک ملاعلی نوری که هفتادسال به تدریس حکمت آخوند اشتغال داشت این فلسفه تسلط کامل بر حیات فلسفی ایران یافت. و نیز دنبال همین سیر فلسفی است که زمینه تحولات دینی و فکری قرن گذشته در ایران می‌باشد و بدون آشنائی با آن تحقیق در تاریخ عقلی و فرهنگی و فکری ایران در قرن اخیر مجال است.

در حال حاضر نگاشتن تاریخ کامل فلسفه در ایران امکان‌پذیر نیست لکن در عین حال تحقیق و بررسی در آن امریست ضروری که با جمیع شئون فکری و فرهنگی ایران سر و کار دارد. (۹) امید می‌رود فعالیت‌های دانشمندان و تشویق‌هایی که این کشور و مجامع نظیر آن از این امر می‌کنند باعث شود گروه بیشتری از محققان با همکاری یکدیگر به حل مشکلات سیر فلسفی در ایران برآمده و گنجینه‌های نفیس فکری و معنوی را که در دامن این نهضت عظیم فلسفی نهفته است نه تنها ایرانیان بلکه بهمه افرادی که علاقمند به کشف حقیقت و نیل بمقام یقین باشند عرضه دارند.

(۱) تنها تحقیق جامع که در اروپا در باره فلسفه در ایران انجام گرفته است از استاد هنری کربن می‌باشد که عمر خود را وقف معرفی افکار فلسفی سهروردی و ملاصدرا و حکمای دیگر ایران و نیز مکتب‌های عرفانی و تشیع و حکمت اسماعیلی کرده است.
رجوع شود به آثار او از قبیل دومقدمه به آثار سهروردی *Opera Metaphysica et Mystica*

جلد دوم تهران، ۱۹۵۲، جلد اول، استانبول ۱۹۴۵

Terre cèlesh et corps de resurrection ; Paris '1961;
Histoire de la philosophie islamique, vol. I. (avec la -
collaboration de S. H. Nasr et O. Yahya), Paris, 1964 و ترجمه شرح بر

Sadr al-Din Shirazi. Le livre des pénétration métaphysiques.
Téhéran, Paris ' 1964

S. H. Nasr. Three Muslim Sages, Cambridge (U. S. A.): 1964

Nasr Islamic Studies Beirut 1966

ومقالات راقم این سطور درباره سهروردی و امام فخر رازی و ملاصدرا و مکتب اصفهان و حاجی ملاهادی سبزواری در A History of Muslim Philosophy, 2 vols. Wiesbaden, 1963-66 (M.M. Sharif ed.)

دانشمند آلمانی هورتن نیز آثار متعددی بزبان آلمانی در شرح احوال و آثار و افکار حکمای ایران نگاشته است لکن در بعضی موارد ترجمه و تفسیر را بهم آمیخته است .

درباره محققان اروپائی که در آثار ملاصدرا تحقیقاتی انجام داده اند رجوع شود به «آشنائی با ملاصدرا در مغرب زمین» بقلم دکتر سید حسین نصر، یادنامه ملاصدرا، تهران ۱۳۴۱ .

(۲) نزهه الأرواح شهرزوری در ترجمه فارسی ضیاء الدین دری در دو جلد، تهران، ۱۳۱۷ بطبع رسیده است در حالی که اصل متن عربی هنوز چاپ نشده است و نیز الامد علی الابد عامری با وجود در دست بودن نسخ متعدد هنوز بطبع نرسیده و نیمه دوم صوان الحکمه سجستانی که موجود است همچنین هنوز بصورت چاپی در نیامده است .

(۳) رجوع شود به مقدمه آقای سید جلال الدین آشتیانی بر شرح بر مقدمه قیصری به فصوص ابن عربی، مشهد، ۱۳۴۵ .

(۴) رجوع شود به:

S.H. Nasr, «Mullâ Sadrâ as a source for the History of Muslim Philosophy,» Islamic Studies, vol. III, no. 3, 1964, pp. 3) 9-314

۵- در مغرب زمین تنها دانشمند معروف سلیمان پینس (S Pines) است که در تحقیقات دقیق خود درباره انتقادات دانشمندان اسلامی بر نظریه ارسطو درباره حرکت از اسفار بعنوان منبع تاریخ فلسفه استفاد کرده است . رجوع به .

S. Pines, «Etudes sur Awhad al-Zaman Abu'l - Barakât al-Baghdâde,» La Revue des Etudes Juives, vol. 3, no. 37, 1936

(۶) رجوع شود به «ابوالحسن ایران شهری» بقلم آقای مجتبی مینوی، مجله دانشکده ادبیات مشهد سال اول، شماره دوم .

(۷) رجوع شود به مقدمه سید حسین نصر بر رساله سه اصل صدرالدین شیرازی، تهران ۱۳۴۰ .

(۸) تنها کسی که تحقیقات دقیقی در سیر فلسفه در ایران در چهار قرن اخیر انجام داده است آقای سید جلال الدین آشتیانی است که قدم اول را در این راه دشوار برداشته است . رجوع شود به مقدمه ایشان و نیز آقای جلال همائی بر شرح ملاجعفر لاهیجانی لنگرودی بر رساله مشاعر ملاصدرا، مشهد ۱۳۸۴ و مقدمه مفصل آقای آشتیانی بر شواهد الربوبیه ملاصدرا که تحت چاپ است و شامل بحث مبسوطی در سیر فلسفه در چهار قرن اخیر میباشد .

(۹) راقم این سطور فعلا کتابی در دست دارد بنام سیر حکمت در ایران که علیرغم نقائص بسیار که خواهد داشت امیدوار است اقلا قدم ناچیزی در راه تحقق پذیرفتن این هدف باشد . و نیز امید می رود که جلد های بعدی تاریخ فلسفه اسلامی که توسط آقای پروفیسور کر بن باهمکاری اینجانب در شرف تالیف است برخی مسائل تاریخ فلسفه در ایران را روشن سازد .